

صبح ایران

خرده روایت‌های یک فراری

عوامل فصل دوم سریال «فراری» در نشست بررسی این مجموعه از اهمیت ایجاد علاقه در مخاطبان برای یک سبک زندگی درست گفتند

صفحه ۸



آثار برگزیده شعر فجر ترجمه می‌شوند

مدیرعامل خانه کتاب از حمایت همه‌جانبه وزارت ارشاد از برگزیدگان سرو بلورین شعر فجر خبر داد

۱۱|<

دعوت به یک مهمانی بزرگ

گپ‌وگفت «جام‌جم» با دست‌اندرکاران برنامه‌ای که نگاه متفاوتی به ماه‌های طلایی سال دارد

۷|<



روایتی متفاوت از زنان شجاع لبنانی

مجری برنامه شبکه افق از مقاومت زنانی می‌گوید که در یک نبرد ایستاده‌اند و استوار بودند

۶|<



📌 زاویه دید



ضرورت پیشرانی جام جم



احمد میراحسان نویسنده و منتقد

ما چاره‌ای نداریم مگر پیش‌راندن در عرصه رسانه و پیش‌رانی بودن جام‌جم و رسانه‌های انقلاب اسلامی. در این پیش‌رانی، باید نیازهای مقطع حاضر و اهداف کل‌نگرانه را به‌دقت درک کنیم و در همان زمینه، وظایف خلاق پیش‌رانی و دامن‌زدن علمی به گفتمان‌های حیاتی را در عرصه‌های مختلف طراحی کنیم. این امور بدون پرورش نیروی کارآمد و متخصص رسانه‌ای ممکن نیست.

واقع‌بینی حکم می‌کند که بپذیریم در عصر فضای مجازی و هوش مصنوعی، رسانه‌های غرب از امکانات نفوذ جهانی متمایزی برخوردارند که حاصل استبداد تکنولوژیک و تکنولوژی اعمال زور در سطح جهانی برای انحصار ارتباطات جمعی و ایجاد مانع علیه نیروی مقاومت است. با این حال، قدرت عوامل فرعی محصول قدرت جاث را نباید فراموش کرد. قدرت سازماندهی و ابتکار که محصول اقتدار اطلاعاتی و سازمان جهان‌گستر و جلب هوش‌ها و نواغ این عرصه از اکناف کره زمین و تجربه برنامه‌ریزی و طراحی است.

نکته دیگر ابزار دروغ و فریب و اغوای مردم و وانموده‌هاست که علیه حق و نشر حق به‌کار می‌روند و اهل حق و مقاومت در راه حق حاضر نیستند برای غلبه بر دشمن، تن به پستی و دروغ‌گویی و انواع فساد بدهند. پس در جنگ نرم، جدا از ضرورت کسب عالی‌ترین تکنولوژی و سازماندهی کارآمد و داشتن طرح خلاق و جذاب نشر حقیقت، توجه به امر پیش‌رانی امری ناگزیر است. حقیقت آن است که جهان شیطانی مدرن و وابسته به قدرت ظلمانی غرب، امروز هوش‌ها و نخبگان را جذب می‌کند و لشکر حق، اقلیتی در جهان است که با امکانات محدود علیه ظلم جهانی مبارزه می‌کند اما نمونه عمل حزب... وانصارا... اثبات می‌کند که با همه کمبودها در میدان، با ابتکارات مختلف می‌توان ضعف خود را جبران کرد و ضربات کاری بر قدرت دشمن وارد آورد. در یمن شاهد این پیروزی‌ها هستیم. رسانه جام‌جم باید در ایفای نقش جهانی و گردآوردن نیروهای ضداستکباری جهانی و تبدیل شدن به یک پایگاه جهانی وحدت اسلامی و انقلابی و سازمان‌دهی نخبگان

📌 یادداشت

دکتر امید مسعودی استاد دانشگاه

به این فکر کن که من می‌گویم!

در حوزه تاکتیک‌های اقناع‌سازی و باورپذیری مخاطبان در رسانه‌ها اغلب با شگردها و تکنیک‌های بسیار زیادی آشنایی داریم اما این روزها رسانه‌های مخالف با نظام جمهوری اسلامی، عمدتاً از سه شیوه «برجسته‌سازی، یادآوری و فراموشی» بهره می‌برند. درباره هریک از این تکنیک‌های اقناع‌سازی، به یادآوری نکاتی برای آشنایی بیشتر و بهتر خوانندگان با این شگردها می‌پردازیم. درباره تکنیک و شگرد برجسته‌سازی می‌توان ادعان کرد تقریباً همه اهل رسانه و قاطبه روزنامه‌نگاران با آن آشنا هستند. مثلاً روزنامه‌ها از میان انبوه خبرهایی که روزانه به دست‌شان می‌رسد با توجه به منافع رسانه و توجه مخاطبان، تنها به یک یا دو مورد از میان آن همه توجه کرده و آنها را به‌عنوان تیت‌های یک یا دوم در صفحه اول روزنامه برجسته کرده، منتشر می‌کنند. در رسانه‌های صوتی و تصویری نیز مثلاً رادیو چنان‌چه در بخش خبر باشد، آن [مطلب برگزیده و همسوا] را در اولین سرتیتر خبری خودشان قرار می‌دهند. به همین‌گونه درباره اخبار دیگر، اولویت‌بندی صورت می‌گیرد. به‌همین خاطر گفته می‌شود که رسانه‌ها ممکن است که به ما نگویند: «چگونه فکر کن» اما از رهگذر همین برجسته‌سازی است که به ما می‌گویند: «به چه چیزی فکر کن!» وقتی که ما مرتباً به یک عنوان یا تیت‌ر یا خبر توجه کنیم، قاعدتاً اندیشه و فکر ما نیز در راستای برجسته‌سازی همان خبر یا مطلب خواهد بود. درباره مولفه یادآوری باید گفت: ممکن است یک اتفاق یا رخدادی در سال‌ها پیش، روی داده باشد و امروز برای بهره‌گیری از آن‌چه که در آن حادثه باعث تنش و ناهماهنگی در جامعه شده است، به‌نوعی یادآوری شود. مثلاً سقوط هواپیمای اوکراینی در اطراف تهران به‌عنوان سالگرد مورد توجه رسانه‌های بیگانه قرار بگیرد و با این یادآوری برآند تا مجدداً مخاطبان را با آن چیز که موردنظر خودشان است، اقناع‌سازی کنند. اما در مورد مشکلاتی که اروپا و عموماً دنیای غرب مواجه با آن است، همین رسانه‌ها می‌کوشند تا این سالگردها وجود نداشته باشد و برجسته‌سازی نشود. گاهی در میان اخباری که در یک روز در رسانه‌های دنیا منتشر می‌شود، رسانه‌های غربی می‌کوشند از نشر اخباری که به نفع خودشان نمی‌دانند یا نیست، عبور کنند و آنها را منتشر نکنند یا در حجم انبوه اخبار خودشان، آن را به فراموشی بسپارند. و اصولاً نیز بدین گونه است که وقتی در رسانه‌ها با خبری مواجه می‌شویم، پس از مدتی که از نشر آن خبر در رسانه‌ها گذشت و به نحوی از انجا پیگیری نشد یا بازتاب‌هایش بررسی نگردید، آن را به دست فراموشی می‌سپاریم اما اگر این اتفاق نیفتد، احتمالاً خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای آن را در میان اخبار خود به گونه‌ای بمباران می‌کنند که اصولاً به دست ما نرسد و ذهن ما از چنان مطلبی خالی باشد. البته رسانه‌ها از تکنیک‌های زیادی استفاده می‌کنند که پرداختن به آنها فضایی دیگر و نوشتارهایی دیگر می‌طلبد.

هویت دینی استعمارشناسی ایرانی *

ذهنیت و نگرش «ملت ایران» در بزنگاه‌های تاریخی و رویارویی با بحران‌ها و به‌ویژه کنش‌ها و واکنش‌های استعمار، نوعی «منطق مشترک» را نمایان می‌کند که گویای روایتی پیچیده و ژرف از فرهنگ این مردم و روحیات‌شان است. فقط دریافت و فهم و بررسی چنین نگرشی نیست که کاری با اهمیت به‌شمار می‌رود، بلکه بیان عالمانه و پژوهشی این منطق و همچنین کنش و واکنش‌های نظری و عملی به آن نیز دارای اهمیت ویژه است. «استعمارشناسی ایرانیان» در تاریخ تحولات سده‌های اخیر دارای روندی پیوسته است که در «افق بیداری اسلامی و مرحله تمدنی» آن به بلوغ و رشد رسیده، آن‌هم به‌گونه‌ای که می‌توان به‌عنوان «مکتب استعمارشناسی ایرانی-اسلامی» از آن سخن گفت. به‌کارگیری استعمارشناسی ایرانی، یعنی ارائه فهم علمی تازه‌ای درباره یکی از مهم‌ترین کنش‌های ملت ایران که برای حفظ شخصیت و هویت خود در برابر تطاول و دست‌اندازی بیگانگان انجام پذیرفته است. فهم نظری همین تاریخ به ما کمک می‌کند تا استعمار را در ابعاد مختلف بازشناخته به ارزیابی‌اش بپردازیم. ویژگی‌ها و آثار استعمار همچنین کنش و واکنش ما ایرانیان در برابر آن، پرسش‌هایی چند را پیش می‌کشد. کشور ما از کی و چه‌اندازه از استعمار آسیب دیده؟ چگونه این آسیب‌ها ترمیم و اصلاح شده؟ چرا عده‌ای با انکار این آسیب‌ها با عناوینی چون «توهم توطئه» یا «پروژه‌سازی نمایشی استعمار» آن را به حاشیه می‌رانند؟ چرا برخی استعمار را می‌پذیرند و طرفدار این پدیده شوم هستند؟ نفوذ استعمار در کدام بخش‌های فرهنگی و سیاسی و... بیشتر بوده؟ واکنش‌های ایرانیان در این‌میان چه بوده و آیا قابل



سنجش است؟ شناخت پدیده استعمار برای کشورهای حوزه مقاومت و به‌ویژه ایران بسیار لازم است که کانون بزرگ‌ترین انقلاب ضداستعماری سده است، و فهم آن به‌ویژه در کنار تجربیات دیگر کشورها می‌تواند استعمارشناسی ملی ایرانی را به استعمارشناسی فراملی اسلامی تبدیل کند. گشایشی مانند

* برگرفته از آخرین اثر علمی در دست انتشار دکتر موسی نجفی